

چکیده

با نگاهی گذار به پیشینه و نحوه‌ی شکل‌گیری مشارکت‌های سنتی در جامعه‌ی روستایی ایران، به آسانی می‌توان دریافت که این‌گونه قالب‌های مشارکتی، نه تنها براساس نیاز، علاقه، حس نوع‌دوستی، محدودیت منابع و شرایط سخت محیطی شکل می‌گرفتند، بلکه ضمن تزریق روح تعاون، موجب نشاط و افزایش کارایی و اثربخشی مردم روستا می‌شدند. در حالی که قالب‌های نوین مشارکتی که امروزه از سوی سازمان‌ها و نهادهای دولتی برای توسعه‌ی روستایی ارائه می‌شوند، فاقد این ویژگی‌ها هستند؛ به گونه‌ای که گاه بدون در نظر گرفتن پیش‌شرط‌های مشارکت، جنبه‌ی نمایشی به خود می‌گیرند که نتیجه‌ی آن، دلسردی اهالی روستاها از برنامه‌های مشارکتی جدید و اختلال در برنامه‌های توسعه‌ی روستایی است.

این مقاله که به روش تحلیل محتوا و در قالب کتاب‌خانه‌ای تهیه شده، کوشیده است ضمن تبیین جایگاه و اهمیت مشارکت روستائیان در برنامه‌های توسعه‌ی روستایی، به تحلیل مبانی نظری مشارکت روستایی بپردازد و به دو پرسش اساسی زیر پاسخی در خور دهد:

۱. تفاوت اساسی قالب‌های نوین مشارکت روستایی با قالب‌های سنتی

مشارکت در چیست؟

۲. علل استقبال کم رنگ روستائیان از قالب‌های نوین مشارکتی

چیست؟

کلید واژه‌ها: روستا، توسعه، مشارکت، قالب‌های نوین مشارکت، قالب‌های سنتی مشارکت.



آموزش‌های بنیادی

بررسی تطبیقی مشارکت‌های سنتی با مشارکت‌های نوین در جامعه‌ی روستایی ایران

حسین بافکار



عکس: دودکهن تریلی

شماره ۳۲
شماره ۳ بهار ۱۳۹۰



مقدمه

«مشارکت» واژه‌ای است که به قدمت تاریخ بشر پیشینه دارد. زیرا از بعد نظری و عملی، مشارکت در بطن هر جامعه در قالب مفاهیمی مانند هم‌بستگی، اتحاد، همکاری، انجمن و مانند آن نهفته است. هم‌چنین، طی چند دهه‌ی گذشته، مشارکت در قالب‌های نوین به ابزاری تحول‌آفرین در جوامع در حال توسعه تبدیل شده است. به یقین در این جوامع، طرح هر برنامه‌ی توسعه بدون توجه به روستا و روستائینان، موفقیت‌آمیز نخواهد بود؛ زیرا هنوز خیل عظیمی از جمعیت این جوامع در روستاها زندگی می‌کنند. این موضوع زمانی اهمیت می‌یابد که بدانیم براساس آخرین سرشماری نفوس (آبان‌ماه سال ۱۳۸۵ شمسی)، از جمعیت ۷۰,۰۴۹,۲۶۲ نفری کشورمان، ۲۲,۱۳۱,۱۰۱ نفر، یعنی حدود ۳۱ درصد، در روستاها زندگی می‌کنند [سایت مرکز آمار ایران].

البته مردم در حالت ایستایی، تنها یک نیروی بالقوه و نهفته هستند. زمانی می‌توانند منشأ اثر باشند که برانگیخته شوند و مشارکت بهترین وسیله برای برانگیختن توده‌های روستایی برای ایجاد تحول و توسعه در کشور است. از این رو، فراهم آوردن موجبات مشارکت روستائینان در برنامه‌های توسعه‌ی روستایی، امری لازم و ضروری است. در این راستا تبیین و تحلیل مبانی نظری مشارکت روستایی برای دست‌اندرکاران و برنامه‌ریزان توسعه‌ی روستایی، بسیار کارگشا خواهد بود.

مشارکت در لغت و مفهوم

واژه «مشارکت» در لغت به معنای «باهم شریک‌شدن» و «شریک کردن با هم» آمده است [پهشتی، ۱۳۷۱: ۱۰۱]. در اصطلاح نیز تعاریف گوناگونی از آن شده است. از جمله صاحب‌نظران مدیریت بر این باورند که مشارکت، درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را برمی‌انگیزد، برای دستیابی به هدف‌های گروهی یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند [طوسی، ۱۳۷۰: ۵۴].

اگر این تعریف را بپذیریم، مشارکت دارای سه بخش مهم درگیری، یاری دادن و شراکت در مسئولیت‌ها خواهد بود. منظور از مشارکت در جوامع روستایی، شرکت دادن روستائینان در طرح‌هایی است که گفته می‌شود به سود آن‌هاست.

ویژگی‌های قالب‌های مشارکت سنتی

مشارکت به شکل سنتی در قالب‌های گوناگون و متعدد براساس عرف، عادت، سنت و مذهب، برای همیاری و همکاری، به طور خودجوش در جامعه‌ی روستایی کشور وجود داشته است و پاسخ‌گوی بسیاری از نیازهای اساسی بوده و هست.

امانوئل تری^۲ زمینه‌های این نوع مشارکت در ایران را در شش شاخه (شکار، کشت غلات، دام‌پروری، ماهی‌گیری، جمع‌آوری محصول و صنایع دستی) می‌داند [تری، ۱۳۶۲: ۴۰].

البته زمینه‌های مشارکت روستائینان در ایران، به فعالیت‌های اقتصادی محدود نمی‌شود. می‌توان جلوه‌های زیبای این نوع مشارکت را به وضوح در موضوعات فرهنگی مانند سوگواری‌ها، عزاداری‌ها، امور عام‌المنفعه (ساخت مسجد، مدرسه، حمام، پل، آب‌انبار، قنات و...) مشاهده کرد.

قالب‌های مشارکت سنتی در جوامع روستایی ایران نه تنها کارهای سخت و طاقت‌فرسا را برای مردم تحمل‌پذیر می‌کردند، بلکه امور را برای مردم روستا کار، اثربخش و گاه نشاط‌آور می‌ساختند. در واقع مشارکت سنتی از نظر اقتصادی و بهره‌وری سبب می‌شد، نیروی افراد یک کاسه و سامان یافته شود و کارهای خسته‌کننده و یکنواخت، به کاری دل‌انگیز و شاد بدل شود و کارایی لازم برای دستیابی به هدف حاصل آید.

هم‌چنین، همکاری در روستا فرصت مناسبی فراهم می‌آورد که همکاران در شبانه‌روز ضمن کار، به عقده‌گشایی و دردل‌بپرداند و از یکدیگر اطلاعات جدید به دست آورند. یا اطلاعات پیشین و اطلاعات فرهنگی را مرور و جمع‌بندی کنند و از آن نتیجه بگیرند [فرهادی، بی‌تا: ۶۹].

به عنوان نمونه، (واره) یکی از قالب‌های مشارکت سنتی در ایران است که هنوز هم میان زنان روستایی عشایر رواج دارد. در این قالب مشارکتی، اعضا از سویی امکانات خود را افزایش می‌دهند و از سوی دیگر خود را از کار اضافی آزاد می‌سازند. زنان روستایی می‌دانند که بردن شیر دام‌ها به واره، وسیله مناسبی برای صرفه‌جویی در زمان برای تولید فراورده‌های لبنی است. در مدتی که شیرشان را به

خانه‌ی (هم‌وارگان) می‌برند، می‌توانند وقت و نیروی خود را صرف کارهای دیگری کنند [فرهادی، ۱۳۷۰: ۱۵۹].

از سوی دیگر، موجب می‌شود تا ضمن تعامل با هم و آگاهی از وضعیت احوال یکدیگر، از حیف و میل شصیر در منزل به علت کمیت زیادتر از نیاز آن، پیشگیری کنند

نمونه‌ی دیگر و شاید مهم‌تر، (سازمان‌بُنه) است که کارآمدترین و کهن‌ترین قالب مشارکتی در جوامع روستایی ایران محسوب می‌شود. بُنه عبارت است از: یک واحد مستقل زراعی که عده‌ای دهقان با سمت‌های مشخص اجتماعی، براساس تقسیم کاری که مبتنی بر امتیازات اقتصادی و اجتماعی بود، در یک یا چند قطعه زمین مشخص، به کشت و زرع می‌پرداختند [صافی‌نژاد، ۱۳۶۸: ۲۱].

یکی از عوامل به وجودآورنده‌ی (بنه‌ها) در ایران، شیوه‌ی بهره‌برداری و کار روی زمین با در نظر گرفتن تفاوت‌های اقلیمی و در نظر گرفتن شرایط طبیعی بوده است. در مناطقی که امکانات مساعد طبیعی وجود داشت، زارعان با فعالیت انفرادی به بهره‌برداری مطلوب می‌رسیدند. اما در مناطق نامساعد طبیعی که میزان برداشت محصول در گرو کمیت آب و شیوه‌های بهره‌برداری از آن بود، بنه به صورت کارآمدترین طریقه‌ی کشت و زرع، به ویژه در چگونگی بهره‌برداری از آب، ظاهر می‌شد [صافی‌نژاد، ۱۳۶۸: ۱۳-۱۴]. زیرا در بسیاری از روستاهای ایران، اساس آبیاری بر بهره‌گیری از قنات و نهرا استوار است. در این روستاها، طول نهرهایی که آب را به زمین کشاورزی انتقال می‌دهند، بسیار زیاد است و آبیاری به شیوه‌ی فردی انجام‌پذیر نیست. از این رو، استفاده از آب و آبیاری مزارعی که مالکیت آن‌ها و یا محصول کاشته شده در آن‌ها، متعلق به بیش از یک نفر است، سبب تشکیل گروه‌های متشکل می‌شود [فرهادی، ۱۳۷۱: ۱۱۳].

برای فهم عظمت و تأثیر بنه‌ها در اقتصاد کشاورزی ایران باید گفت: به صورت برآورد، تا مقطع ۱۳۳۰ شمسی، با جمعیت ۱۴ میلیون نفر در آن مقطع، حداقل یک میلیون کشاورز ایرانی در این تعاونی‌های تولیدی عضویت و مشارکت داشتند [همان، ص ۹۸-۹۷].

هم‌چنین (گاتری) نوع دیگری از مشارکت سنتی در جوامع روستایی ایران بوده است که نشانگر حس نوع‌دوستی پیشینیان است. در این قالب مشارکتی در جوامع روستایی برای خانواده‌ای که مرد کار (وزرا) نداشت، گاتری می‌بستند. شیوه‌ی عمل بدین گونه بود که چند خیش گاو با هم در یک روز، زمین آن خانواده را شخم می‌زدند و بذری می‌کاشتند [علوی تبار، ۱۳۸۲: ۸۵].

در واقع در شکل‌گیری قالب‌های مشارکت سنتی ایران، عواملی چون شرایط سخت محیطی و محدودیت منابع، حس نوع‌دوستی و نیاز به ارتباط و اطلاعات، هر کدام به‌نوعی نقش‌آفرین بوده‌اند. ولی متأسفانه نقش این گونه‌های مشارکت سنتی با توجه به تحولات انجام گرفته در جوامع روستایی، نسبت به گذشته کمرنگ‌تر شده است. به عبارت دیگر، مشارکت‌های سنتی کمتر می‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای امروزی جوامع روستایی باشد. از این رو می‌طلبید فعالیت‌های روستایی در قالب‌های جدید مشارکتی در جهت توسعه، سامان دهی و متشکل شوند زیرا با تحولات رخ داده در جوامع بشری، جوامع روستایی برای حفظ توان‌های محدود محیطی بیش از گذشته به مشارکت ولی در قالب‌های نوین نیاز دارند؛ قالب‌های مشارکتی که بتوانند ضمن شناسایی نیازمندی‌ها، محدودیت‌ها و توان‌های محیطی جوامع روستایی، منابع و امکانات مادی و معنوی آن را به سوی توسعه‌ی پایدار در ابعاد اقتصادی، اکولوژی، مکانی، فرهنگی و اجتماعی سوق دهند.

البته در سال‌های اخیر تشکلات جدید مشارکتی در قالب شوراهای شرکت‌های تعاونی روستایی در جامعه‌ی روستایی کشور شکل گرفته‌اند.

قالب‌های جدید مشارکت روستایی و ضرورت مشارکت روستایی‌ها

این قالب‌های جدید مشارکتی که از سوی سازمان‌های دولتی برای توسعه‌ی روستایی ارائه می‌شود، متأسفانه کمتر برای مشارکت روستائیان انگیزه‌ساز بوده‌اند. به همین دلیل به محرکی نیاز دارند که روستائیان را به فعالیت وادارند. به عبارت دیگر، باید کاری کرد که مردم روستایی در امری که به سرنوشت و زندگی‌شان ارتباط می‌یابد، مشارکتی فعال داشته باشند و این حق مسلم آن‌هاست. چنان که در گزارش «کنوانسیون جهانی اصلاحات و توسعه» که در ژانویه‌ی سال ۱۹۷۹ توسط «فانو» (F.A.O) در رم برگزار شد، آمده است: مشارکت مردم در نهادها

و نظام‌هایی که حاکم بر زندگی آنان‌اند، از حقوق اساسی بشر است [کائوتری و دیگران، ۱۳۷۹: ۶۳].

از سوی دیگر، برای دستیابی به اهداف توسعه‌ی همه‌جانبه، مشارکت روستاییان در برنامه‌های توسعه بسیار ضروری است. زیرا بدون همکاری آنان، هرگونه طرح توسعه با مشکل روبه‌رو خواهد شد. بر این مهم در گزارش اجلاس کارشناسان که درباره‌ی کمک به توسعه‌ی روستایی از دیدگاه نیازهای اساسی در سال ۱۹۷۹ تشکیل شده بود، چنین تأکید شده است: برای دستیابی به هدف‌های توسعه‌ی روستایی همه‌جانبه، لازم است که بی‌چیزان روستایی در تصمیم‌گیری در همه‌ی مراحل اجرا و حتی ارزیابی مشارکت کنند. این‌گونه مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها باید در سطح توده‌ی مردم گسترش یابد [پیشین].

علل کم‌رنگی مشارکت روستاییان در برنامه‌های مشارکتی جدید

متأسفانه در حال حاضر، نه تنها روستاییان در تمام مراحل چرخه‌ی توسعه نقش ندارند، بلکه برخی از نهادهای مشارکتی جدید حالت نمایشی یافته‌اند. هرچند که خوش‌بختانه علل کم‌رنگی مشارکت روستاییان تا حدود زیادی شناخته شده است و اغلب از بی‌سوادی، کم‌سوادی، کمبود اطلاعات، موانع زبانی و فرهنگی، کمبود وقت، بدبینی و بی‌اعتمادی به مجریان برنامه‌های مشارکتی، چشم و هم‌چشمی و رقابت، سنت‌گرایی و تعصب، به عنوان دلایل عدم مشارکت نام برده می‌شود. ولی از نظر نگارنده، علت اصلی کم‌رنگی مشارکت روستایی‌ها در برنامه‌های مشارکتی جدید، فقدان تلاش مستمر و جدی مسئولان امور در زمینه‌ی مشارکت است. زیرا غالباً از مشارکت وسیله‌ای بی‌خطر برای مشروعیت بخشیدن به برنامه‌ها و تصمیمات اتخاذشده‌ی خود بهره می‌برند. یا از نیرو و امکانات روستاییان استفاده می‌کنند، بدون این که به علائق مادی (اقتصادی و اجتماعی) مردم روستا که مهم‌ترین عامل انگیزه‌ساز برای مشارکت است، توجه شود.

هویت کائوتری ^۲ در این باره می‌نویسد: «علائق مادی مهم‌ترین انگیزه را تشکیل می‌دهند. اگر فرد از بردن سهم عادلانه‌ای از نتایج فعالیت خود محروم باشد،

به سختی می‌توان از او خواست که در راه رفاه و سعادت به طور فعال شرکت کند و بدان متعهد شود. تمایل به تساوی در توزیع مزایا و فعالیت‌های مربوط به توسعه، نه تنها آرمانی عدالت خواهانه است، بلکه پیش‌شرط توسعه‌ی پویا و متعادل محسوب می‌شود» [کائوتری و دیگران، ۱۳۷۹: ۳].

برای درک اهمیت موضوع بهتر است نگاهی دوباره به قالب‌های مشارکت سنتی داشته باشیم. برای مثال، وقتی زنان عشایر بویراحمدی قالب مشارکتی (شیر و هره) را تشکیل می‌دهند، هدف آن‌ها این است که از امتیاز آن بهره‌مند شوند. از این رو خانواده‌هایی که دام کمتری دارند و امکان تهیه‌ی فرآورده‌های لبنی برایشان مشکل است، شیرهای خود را روی هم می‌ریزند و به یک خانواده می‌دهد. با این کار، هم از حیف و میل اندک شیر خود جلوگیری می‌کنند و هم در وقتشان صرفه‌جویی می‌شود [علوی تبار، ۱۳۸۲: ۵۷].

نمونه‌ی دیگر، تشکیل گروه‌های (هم‌آب) است که در آن، به افرادی دارای زمین زراعی نزدیک به هم، نوبت آبیاری به دنبال هم داده می‌شود. هدف از این کار آن بود که کار آبیاری آسان و از تلف شدن آب جلوگیری شود. در این گروه‌ها آبیاری از زمین‌های نزدیک به منبع آب شروع می‌شد و تا پایان کار با یاری یکدیگر ادامه می‌یافت [همان، ص ۶۱].

بنابراین لازم است که در قالب‌های جدید مشارکتی هم که برای توسعه‌ی روستاها مطرح هستند به حفظ منافع اقتصادی-اجتماعی و زیست‌محیطی مردم نواحی روستایی توجه شود. برای مثال، یکی از قالب‌های جدید مشارکتی که برای توسعه‌ی روستایی در سال‌های اخیر روی آن بسیار تأکید می‌شود، مشارکت‌دادن روستاییان در برنامه‌ریزی گردشگری روستایی است. در این فرایند، مشارکت و تصمیم‌گیری مردم محلی اجتناب‌ناپذیر است. زیرا تصمیم‌گیری باید در جهت حفظ منافع اقتصادی-اجتماعی و زیست‌محیطی مردم منطقه صورت گیرد. در



عکس: دادوینگر تریبی

دوره‌ی بیست و پنجم، شماره‌ی ۱۳، بهار ۱۳۹۰

قالب‌های مشارکت سنتی در جوامع روستایی ایران نه تنها کارهای سخت و طاقت‌فرسا را برای مردم تحمل‌پذیر می‌کردند، بلکه امور را برای مردم روستا کارا، اثربخش و گاه نشاط‌آور می‌ساختند

غیراین صورت، مردم گردشگران روستایی را سربراری خواهند پنداشت که منابع آن‌ها را مصرف می‌کنند، ولی سود آن نصیب افراد غیربومی می‌شود. این طرز تفکر ممکن است بین جوامع میزبان و میهمان اصطکاک به وجود آورد. [۱۳۸۳: ۴۲]

پس بهتر آن است برای پیش‌گیری از این‌گونه مشکلات و تسهیل مشارکت مردم روستایی در برنامه‌های توسعه و رسیدن به اهداف آن، قبل از اجرای هر برنامه‌ی مشارکتی، از شرایط و پیش‌شرط‌های آن آگاهی حاصل شود.

شرایط لازم برای مشارکت‌های جدید

دکتر اس. اس. ماشی^۴، فارغ‌التحصیل دانشگاه «بیل» آمریکا و کارشناس مشارکت مردمی در توسعه‌ی بسیاری از اجلاس‌های سازمان ملل بر این باور است که باید هنگام هر گونه کوشش برای نهادینه کردن مشارکت عمومی، به این چهار شرط عمده توجه داشت:

۱. **ایدئولوژی یا بعد هنجاری:** در این حیطة، روی سه عامل تقسیم عادلانه‌ی درآمد و امکانات توسعه، توسعه‌ی خودگردان و فعالیت‌های اشتراکی تأکید می‌شود.

۲. **بعد سازمانی یا نهادهای مشارکتی:** نهادهای مشارکتی در هر کشوری تحت تأثیر جهت‌گیری ایدئولوژی، ساختار اجتماعی، تاریخ و فرهنگ شکل می‌گیرند. این نهادها می‌توانند در قالب انجمن‌ها، تعاونی‌ها، شوراهای و نهادهای دیگر روستایی فعالیت کنند.

۳. **اطلاعات کافی:** اطلاعات به سه دسته‌ی ایدئولوژیک، فنی و عملیاتی تقسیم می‌شوند. در موضوع نخست، هدف آگاه کردن مردم از تدابیر سیاسی و در موضوع دوم، منظور انتقال اطلاعات فنی و مهارت‌های جدید توسط مأموران دولتی به روستاییان است، تا اجرای طرح مشارکتی را بهبود بخشد. در موضوع سوم نیز مقصود آگاه کردن مردم از شیوه و زمان اجرای طرح‌ها و برنامه‌های نظارت مردم بر برنامه‌ها و اطلاعات بازگشتی از روستاها به ادارات و برعکس است.

۴. **امکانات مادی و تخصصی ضروری:** که منظور هزینه‌ی طرح توسعه و وجود نیروهای متخصص در منطقه و... است [کائوتری و دیگران، ۱۳۷۹: ۱۵۱، با گزینش و اندکی تغییر].

با این وصف در جوامع روستایی کشور، یا چنین شرایط و امکاناتی وجود ندارد و یا اگر هست، از ساختار مناسبی برخوردار نیست. برای مثال، نهاد مشارکتی (شورا) در روستاها وجود دارد، ولی از ساختار مناسبی برخوردار نیست. زیرا گزینش و انتخاب اعضای شورا به دلیل داشتن دانش، توانایی و تخصص نیست، بلکه دلیل انتخابشان، بیشتر اجتماعی و رابطه‌ی قبیله‌ایشان است. در نتیجه، توانایی انتقال ایدئولوژی مشارکتی یا اشتراکی کار کردن و مقابله با عادت‌ها و تعصبات غلط موجود را ندارند.

افزون بر آن، شوراهای از نظر قانونی، مالی، فنی، نیروی انسانی، کارایی اداری، نظارت بر طرح‌ها و... محدودیت‌های خاصی دارند که بی‌توجهی به این محدودیت‌ها و تراشیدن مخارج و سرمایه‌گذاری‌های بیش از حد، از توان درآمدی شورا می‌کاهد، تصویری ناخوشایند از ناکارآمدی شوراهای ارائه می‌دهد و روند رشد و توسعه را مختل می‌سازد [یافکار، ۱۳۸۳: ۷۵]

به طور معمول، نه تنها شورا بلکه بیشتر نهادهای مشارکتی جدید، برای تأمین هزینه‌ی طرح‌هایی که به نمایندگی از سوی مردم تصویب می‌کنند، به ندرت سرمایه‌ی خاصی در اختیار دارند. آن‌ها به اعتباراتی متکی هستند که دولت طی برنامه‌های دوره‌ای تعیین می‌کند و در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد. از سوی دیگر، کمک‌های دولتی برای سهم مردمی در طرح‌های خودیاری، بسیار کند پرداخت می‌شود که در نهایت به سرخوردگی عمومی می‌انجامد.

همچنین، طرح‌های مشارکتی توسعه که مردم روستایی عهده‌دار انجام آن‌ها می‌شوند، به دلیل تأخیر یا تقلیل در ارسال وسایل و اطلاعات فنی، غالباً جامعه عمل نمی‌پوشند. مأموران یا کارشناسان و مروجان طرح‌های توسعه که مهارت‌های جدید را برای بهبود وضعیت روستائینان منتقل می‌کنند، یا در روستاها نیستند و یا به دلیل مشکلات حمل و نقل، گاه و بی‌گاه در روستاها حضور می‌یابند. از این‌رو در اغلب موارد آن‌ها را بیگانه می‌پندارند و از مشاوره و بحث و گفت‌وگو با آن‌ها خودداری می‌کنند.

حتی گاه مشاهده می‌شود، این مأموران و مروجان طرح‌های توسعه، خود آموزش‌های لازم را برای گسترش فرهنگ مشارکتی ندیده‌اند و از اطلاعات کافی برای گفت‌وگو و ترویج فرهنگ مشارکت برخوردار نیستند. در حالی که بنا به گفته‌ی هوئین کائوتری: «کارایی و اثربخشی مشارکت به سطح آموزش و صلاحیت کسانی که در این گفت‌وگوها شرکت دارند، به حجم اطلاعات ارائه شده، و به زمانی که به بررسی هر موضوع خاص و سوابق آن اختصاص می‌یابد، بستگی دارد» [کائوتری و دیگران، ۱۳۷۹: ۱۵۱].

به این ترتیب تعجب‌آور نخواهد بود که مشارکت در چنین طرح‌هایی رو به کاهش گذارد یا مشارکت جنبه‌ی نمایشی پیدا کند و جای خود را به بی‌علاقگی دهد.

نتیجه

شکل‌گیری خودجوش مشارکت‌های سنتی در جوامع روستایی کشور، برگرفته از نیازهای اساسی، محدودیت منابع و شرایط سخت محیطی بوده که نیاز به همکاری و مشارکت را ضروری می‌ساخته است. آن‌چه که موفقیت این گونه مشارکت‌ها را تضمین می‌کند، سازگاری با علایق و روحیات مردم بومی روستایی بود که بدون وابستگی به اعتبارات دولتی، به حفظ منافع اقتصادی-اجتماعی و زیست‌محیطی روستاییان می‌انجامد. ولی در حال حاضر اغلب قالب‌های مشارکتی جدید فاقد این ویژگی‌ها هستند که نتیجه‌ی آن، دلسردی روستاییان و کم‌رنگی مشارکت آنان در برنامه‌های توسعه روستایی است.

بنابراین اگر طالب نهادینه شدن مشارکت همه‌جانبه‌ی روستاییان در طرح‌های توسعه‌ی روستایی هستیم، بهتر است ضمن حفظ منافع اقتصادی-اجتماعی و زیست‌محیطی مردم نواحی روستایی، با فراهم کردن امکانات لازم و توجه به پیش‌شرط‌های مشارکت، بستری مناسب برای مشارکت پایدار آنان فراهم آوریم. به یقین وجود فرهنگ ارزشمند دینی و ادبیات غنی کشور، و با بهره‌گیری از تجربیات پیشگامان مشارکت‌های نوین، خیلی سریع‌تر و بهتر از دیگران خواهیم توانست به اهداف توسعه‌ی روستایی نایل آییم.

پی نوشت

1. Participation
2. AMANOEL TERY
3. Kaoutry
4. S.S. Mushi

منابع

۱. یافکار، حسین. حلقه‌ی تدبیر (شورا و مشورت). مرکز پژوهش اسلامی صدا و سیما. قم، چاپ اول. ۱۳۸۳.
۲. بهشتی، محمد. فرهنگ فارسی صبا. انتشارات صبا. تهران. چاپ اول. ۱۳۷۱.
۳. طوسی، محمدعلی. مشارکت در مدیریت و مالکیت. مرکز آموزش مدیریت دولتی. تهران. ۱۳۷۰ و.
۴. تری، امانوئل. جوامع مبتنی بر تیره و طایفه. ترجمه‌ی عباس راد. انتشارات آگاه. تهران. چاپ اول. ۱۳۶۲.
۵. سایت مرکز آمار ایران (http://amar.sci.orj)
۶. فرهادی، مرتضی. «واره» (نوعی تعاون سنتی کهن و زنانه در ایران و علل تداوم آن). فصل‌نامه‌ی علوم اجتماعی. دانشگاه علامه طباطبایی. دوره‌ی اول. شماره‌ی ۳۰۴. تهران. ۱۳۷۰.
۷. «بنه شناسی». فصل‌نامه‌ی علوم اجتماعی. دانشگاه علامه طباطبایی. دوره‌ی اول. شماره‌ی ۳۰۴. تهران. ۱۳۷۱.
۸. فرهنگ یاریگری در ایران. مرکز نشر دانشگاهی. تهران. چاپ اول.
۹. علوی‌تبار، علیرضا. مشارکت در اداره‌ی امور شهرها (بررسی الگوهای مشارکت شهروندان در اداره‌ی امور شهرها). سازمان شهرداری‌های کشور. تهران. چاپ‌های اول و دوم. ۱۳۸۲.
۱۰. قادری، زاهد. اصول برنامه‌ریزی توسعه‌ی پایدار گردشگری روستایی. انتشارات دهیاری‌های کشور. تهران. چاپ اول. ۱۳۸۳.
۱۱. کائوتری، هوئین و دیگران. مشارکت در توسعه. ترجمه‌ی هادی غبرایی و داوود طباطبایی. انتشارات روش. تهران. چاپ اول. ۱۳۷۹.
۱۲. صفی‌نژاد، جواد. بنه (نظام زارعی سنتی ایران). چاپ سپهر. تهران. چاپ اول. ۱۳۶۸.